

نه به اعدام، خشن ترین شکل آدمکشی دولتی!



اعلامیه مشترک سه سازمان جمهوریخواه، دموکرات و لائیک

اولین نشان و ویژگی شأن انسانی حق حیات است و جهان سلطه طلب قرن هاست که به بهانه "باورها"، "عقیده ها"، "سنت ها" و "قوانين مدنی" این حق را از انسانهای فراوانی ستانده است. مجازات اعدام و در واقع قتل عمد دولتی؛ خشن ترین و غیر قابل بازگشت ترین تجاوزی است که از سوی دولت ها و سلطه گران بر انسان ها روا شده است.

بنا به گزارش سازمان عفو بین الملل، ۵۷۹ نفر در ۱۸ کشور جهان در سال ۲۰۲۱، اعدام شدند که نسبت به سال ۲۰۲۰، افزایش ۱۹,۹ درصدی در همان کشورها داشته است. این روند در ایران پس از جنبش مهسا رو به افزایش داشته است.

جمهوری اسلامی از همان آغاز به عمد و با برنامه‌ی سرکوب مردمان میهن ما به بهانه‌ی "موازین شرعی قصاص"، مجازات اعدام را بعنوان ابزاری سیاسی در مورد مخالفین "آیین الهی" - خود - و دگر اندیشان بکار گرفت. جمهوری اسلامی در سال گذشته، بعد از کشور چین، رتبه دوم را در اجرای اعدام از آن خود کند که نسبت به تعداد جمعیت به رتبه نخست میرسد، روندی که از همان آغاز اعلان موجودیت تا کنون نسبت به شهروندان روا داشته است. اعدام یوسف مهرداد و صدرالله فاضلی به اتهامات بیهوده مانند عناد علیه مذهب، کفر و بی‌حرمتی به موازین اسلامی از جمله مجازات‌های غیر انسانی اخیر رژیم است.

ما سازمان‌های جمهوری‌خواه دمکرات و لائیک، اعدام‌های اخیر در سرتاسر ایران، به ویژه در بلوچستان را به شدت محکوم میکنیم و از انسان‌های عدالت‌خواه و داد خواهی که همواره به مجازات اعدام "نه" گفته‌اند میخواهیم تا جهانیان را علیه بی‌عدالتی‌های رژیم ایران، با خود همراه و همداستان کنند.

اندیشکده آگاهی و شناخت

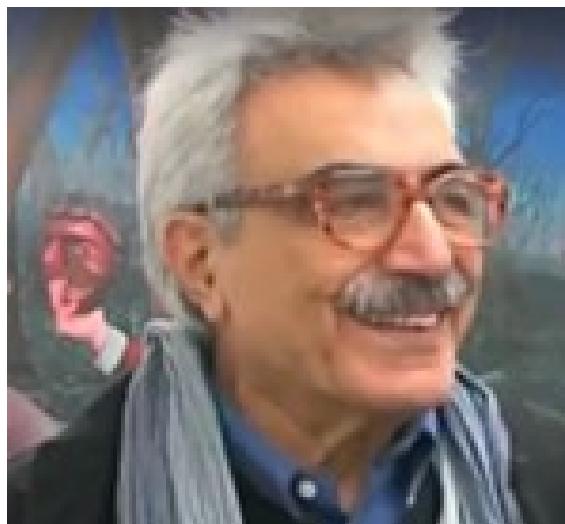
حزب سوسيال دموکرات و لائیک ایران (همسازی ملی
جمهوری‌خواهان)

جن بش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

۲۰۲۳ مه ۱۳



یار ناصر پاکدامن را گرامی میداریم



2023 - 1933 / 1402 - 1311

همراه، آموزگار و یار دیرین ما، فرزند برومند و وفادار میهنمان و کوشندۀ پیگیر فرهنگ و آزادی، ناصر پاکدامن، در سحرگاه روز یکشنبه سوم اردیبهشت ۱۴۰۲، بیست و سوم اوریل ۲۰۲۳ در پاریس درگذشت. حضور صدها نفر از هموطنان در مراسم وداع با پیکر او در گورستان پرلاشز پاریس نشان از آن داشت که دوستان و آشنايان و خوانندگان آثار او، به رغم این که در اين يكى دو سال آخر به اقتضای عمر و رنج بيماري حضور اجتماعی و فعالیت و تکاپوی خود را محدود کرده بود، نیکخواهی و تلاش بىدریغ او را برای اعتلای فرهنگ ايران و بهروزی ايرانيان همچنان پاس میدارند.

ناصر پاکدامن در خانواده‌ای پایبند اخلاق و اهل فرهنگ به دنيا آمد. خانواده‌پدری اش در حدود سال های ۱۳۰۰ شمسی از همدان به تهران آمده بودند. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبستان ادب و

دبيرستان علميه و سال آخر دبيرستان را در دارالفنون گذراند. سال های نوجوانی او در فضای آزادی های پس از شهریور بیست و پیدایی و شکلگیری احزاب و سازمان های سیاسی جدید و کشاکش های میان آنان در دوران ملی شدن نفت سپری گشت. در همین دوران است که دلبستگی های او به نهضت ملی شکل میگیرد و از عناصر پايدار هويت سیاسی او در آينده مشود. سالها بعد در خطا بـ زیبا يی که به ياد دوست همدرش، حميد عنایت، در دانشگاه آكسفورد، ايراد کرد، خاطرات آن سال ششم ادبی در دارالفنون را اين چنین به پا يان بـ مرد : ”

پس از پایان تحصیل در دبیرستان (۱۳۲۹-۳۰) به
دانشکده حقوق دانشگاه تهران رفت تا اقتصاد بخواند
و سپس با کسب رتبه نخست برای ادامه تحصیل به
فرانسه رفت و در دانشگاه پاریس اقتصاد و جمعیت
شناسی خواند.

در دوران تحصیل در ایران با هما ناطق، تاریخ نگار
برجسته، آشنا می‌شود و چند سال بعد در زمان
دانشجویی در پاریس، در چهاردهم شهریور ۱۳۳۰، با
هم پیوند زناشویی می‌بندند و دارای دو فرزند می
شوند، میشا و روشنک.

و گرایش چپ مستقل را بیشتر بشناساند.

رساله‌ی دکتری اش را با عنوان **رسالتی در مسائل اقتصادی و حقوقی اسلام** در دانشکده حقوق و علوم اقتصادی دانشگاه پاریس گذراند و پایان نامه‌اش برای نشر در مجموعه‌ی انتشارات آموزش عالی فرانسه برگزیده شد (۱۹۶۸). در آخرین سال تحصیل در همان دانشکده به تدریس پرداخت.

در سال ۱۳۴۶ تصمیم می‌گیرد به ایران باز گردد. مقام‌های امنیتی به بهانه فعالیت‌های سیاسی‌اش در زمان دانشجویی مدتی مانع استخدام او در دانشگاه می‌شوند ولی چندی بعد کار تدریس در دانشکده اقتصاد را آغاز می‌کند و درس‌ها و جزووهای درسی‌اش در اقتصاد ایران، جامعه‌شناسی اقتصادی و جمعیت‌شناسی از محبوبیت زیادی در میان دانشجویان برخوردار می‌شوند. مناسبات صمیمانه با دانشجویان پایه دوستی‌های ماندگار میان آنان می‌گردد.

در این سال‌ها افزون بر نوشتمن مقاله و کار پژوهش، تجربه‌های گرانقدیری در ویراستاری و نشر حرفه‌ای می‌اندوزد. در سال ۱۳۴۷ به دعوت کریم امامی به انتشارات فرانکلین می‌پیوندد و در کنار برخی از برجسته ترین مترجمان و ویراستاران آن دوره به کار می‌پردازد. به پیشنهاد و با نظارت اوست که مجموعه تازه‌ای از آثار در اقتصاد و علوم اجتماعی انتخاب، ترجمه و منتشر می‌شود. سردبیری مجله و مجله **دانشگاه اسلام** و دفترهای **دانشگاه اسلام** و **دانشگاه** وابسته به دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران بخش دیگری از تجربه‌ها و تلاش‌های او در این زمینه است.

در سال ۱۳۰۴-۰۵ به دعوت دانشگاه پرینستون به عنوان **دانشگاه** مدتی در امریکا اقامت گزید و از فضای سرد و ع بواسی سیاسی آن سال‌های **دانشگاه** در ایران دور ماند.

با سقوط رژیم پادشاهی و یه قدرت رسیدن حکومت اسلامی آشکار شد که مبارزه آزادیخواهانه نه تنها به سرانجامی نرسیده که با دیوار ستبری از تعصّب و واپسما ندگی رو برو و آزادیها و دستاوردهای آغاز انقلاب یکی پس از دیگری پایمال ارتجاع و استبداد مذهبی حاکم شده است. در چنین شرایطی بود که جمعی از مبارزان و کنشگران سیاسی با پیشینهٔ ملی و چپ گرد هم آمدند و در چهاردهم آسفند ۱۳۰۷ در احمدآباد در جوار مزار مصدق تشکیل جمهوری اسلامی ایران را رسمًا اعلام کردند. این جبهه که با امید فراهم آوردن فضایی برای همگرایی و همکاری با نیروها و سازمان های جوان انقلابی در دفاع از آزادی و خواستهای دموکراتیک به وجود آمده بود، بی درنگ مورد تهاجم رژیم جدید قرار گرفت. ناصر پاکدامن از اعضاي مؤسس آن و یکی از گردااندگان

اصلی نشریه ارگان ۱۳۰۰ بود.

در سال ۱۳۰۹ به عنوان یکی از اعضای هیئت دبیران انتخاب می‌شود. در همین سال بود که انحصار طلبی حاکمیت از سرکوبی نیروهای غیر خودی فراتر رفت. در سی ام تیرماه ۱۳۶۰ اعلام موجودیت کرد. ناصر پاکدامن هم دعوت پیوستن به این ائتلاف را پذیرفت. این همکاری چند سالی بیشتر دوام نیاورد. در آذر ماه ۱۳۶۰، پس از مدتی زندگی در اختفا، به ناگزیر خاک ایران را ترک کرد و بار دیگر به فرانسه آمد.

با از سرگرفتن انتشار دوباره مجله در زمستان ۱۳۶۱ در پاریس، به یاری سادی می‌شتابد و تا انتشار آخرین شماره الفبا در پائیز ۱۳۶۴ و مرگ نا بهنگام سادی کنار او می‌ماند. چندی بعد، در تابستان ۶۰ همراه با محسن یلفانی به انتشار مجله *دست میزند*. *دست میزند* با همکاری اهل قلم داخل و خارج کشور و با اقبال خوانندگانی وفادار جای ویژه‌ای در میان نشریات وزین فرهنگی خارج از کشور پیدا کرد که بی تردید عامل اصلی آن، تلاشها، مناسبات و شخصیت نستوه ناصر پاکدامن بود.

باز نشر *دست میزند* به اهتمام صادق هدايت، همراه با پژوهشی در باره مقدمه هدايت (۱۳۷۶)؛ *دست میزند* (۱۳۷۷)؛ *دست میزند* (۱۳۷۸)؛ *دست میزند* (۱۳۷۹)؛ *دست میزند* (۱۳۸۰)، صادق هدايت و مسعود فرزاد، با طرح‌های اردشیر محصص (۱۳۸۱)، کتاب‌هایی است حاصل این دوران کار او. در همین دوره، به جز مقالات متعددش در چشم انداز، نوشته‌های دیگری نیز در سایر نشریات خارج از کشور به چاپ رساند. آخرین شماره *دست میزند* (۱۳۸۴) در پائیز ۱۳۸۴ در پاریس منتشر شد.

وا پسین تلاش سیاسی او همراهی با *دست میزند* بود که از آغاز شکلگیری (۱۳۸۰) تا سال‌ها در کنارشان بود و نقش موثری در پیش بُرد کوشش‌های آنها داشت.

زندگی و کارنامه و آرزوها و هدفهای ناصر پاکدامن را میتوان در عشق و علاقه بیپایان او به ایران و مردم آن خلاصه کرد. آنچه کرد و آنچه آرزو داشت در پایداری ایران و بهروزی ایرانیان خلاصه میشد و تا آنجا که توانست در این راه کوشید و با آزادگی و شرافتی مثال زدنی زیست.

یاد بیدار او ما را ترک نخواهد کرد.

یرواند آبراهیمیان، سرگز آراکلی، محمد آزادگر، حمید آزادی، هومن آذرکلاه، رسول آذرنوش، فرهاد آسور، مریم آسور، داریوش آشوری، ابراهیم آوخ، تورج اتابکی، مهدی ابراهیمزاده، رضا ابراهیمی، حبیب ابن جلال، وحیده احمدزاده، داود احمدلو، پرویز احمدی نژاد، مانی اخوان، فرح اردشیری، فروغ اردشیری، ناهید اردشیری، نگین اردشیری، پروین اردلان، یوسف اردلان، ابوالفضل اردوانی، محمد ارونقی، بهروز اسدی، نسترن اسدیان، نسرین اسدیان، بانو اسکنداوی، قادر اسکنداوی، اسفندیار اسلامی، اصغر اسلامی، رحیم استخری، حسین اسماعیلی، مریم اشرفی، آذر اشرف، احمد اشرف، فرید اشکان، رضا اصغرزاده، سیمین اصفهانی، لیلا اصلانی، مهدی اصلانی، حسن اعتمادی، ناصر اعتمادی، محمد اعظمی، رضا اغمی، ناهید افراخته، علی افشاری، رضا اکرمی، مینو الوندی، بهرام امامی، کورش امجدی، نوروز امید، خسرو امیری، شهین امیری، فریبا امینی، علی امینی‌نجفی، ایران‌نخت انصاری، منصور انصاری، حسین انورحقیقی، جلال ایجادی، سیروس ایرانپور، اصغر ایزدی، علیرضا ایزدی، کاظم ایزدی، نازنین ایزدی، ابراهیم باران، رحیم باجلی، رضا باقری، شهرام بامداد، کمال بایرامزاده، رضا بایگان، خسرو بختیاری، عباس بختیاری، منیره برادران، مهران بران، مهدی بزرین، بهروز برومند، گلناز برومندی، ارژنگ برhan آزاد، رضا بدیعی، یدالله بلدی، شیدا بنایی، علی بنوعزیزی، فیروزه بنی‌صدر، فرامرز بهار، سهراب بهداد، امیرحسین بهبودی، حبیب بهره‌من، عباس بهشتی، نیلوفر بیضاوی، حسن بهگر، امیر بیگلری، خسرو پارسا، کوشیار پارسی، ژاله پاکزاد، فرامرز پاکزاد، حمید پرچم، مهدی پرویز، محمد پروین، ژینوس پزشکی، فلور پزشکی، ناصر پساینده، مسعود پلاسیّد، علی پورامان، مریم پورتنگستاوی، تقی پورعجم، علی پورنقوی، سعید پیوندی، پروین تاج، تقی‌تام، منیزه تام، اسد ترابی، نیره توحیدی، فریبا ثابت،

حمیدرضا جاودان، مسعود جاهد، یوسف جاهدی، اسفندیار جاوید، فلور جاوید، اقدس جاویدی، سیروس جاویدی، با بک جزئی، میهن جزئی، حسن جعفری، اسد جلالی، مینو جلالی، محمد جلالی‌چیمه (م. سحر)، یاسمین جلالی، فرشید جمالی، ماندانه جمالی، فردوس جمشیدی رودباری، جواد جواهیری، امیر جواهیری‌لنگرودی، خشایار جواهیریان، محمدرضا جواهیریان، بهروز جهانزاده، گلرخ جهانگیری، ژاله چگنی، ثریا چیتساز، مهری حاج آقا زاده، رضا حائری، زهره حبیب محمدی، مجید حبیبی، علی حجت، فرشته حجت، حسن حسام، محسن حسام، جلیل حسینی، حمید حسینی، شاهو حسینی، عذرا حسینی- بنی‌صدر، بهروز حشمت، نقی حمیدیان، حمیده حیاتی، احمد خادمی، نسیم خاکسار، مهدی خانبابا تهرانی، هادی خرسندی، زکیه خسروشاھی، بهروز خسروی، رسول خلفی، بهروز خلیق، لطفعلی خنجی، نیلوفر خوانساری، زهره خیام، مجید دارابیگی، توران دانا، بهروز داودی، آرتا داوری، هایده درآگاهی، مهرداد درویشپور، رضا دقی، منوچهر دقی، احسان دهکردی، حسین دولت‌آبادی، هوتن دولتی، فرهاد دیبا، ناصر رحیم‌خانی، فهیمه رحیم‌نیا، نستور رخشانی، بهرام رستا، خلیل رستم‌خانی، سهیل رسولی، زلیخا رضایی، فاطمه رضایی، علی رضوی، فرهمند رکنی، اسفندیار رفیعی، مصطفی رمضانی، احمد رناسی، علی رنجبر، محمدرضا رنجبران (اماں)، رامین روحانی، میهن روستا، فؤاد روستایی، سیروس رهبری، سعید رهنمای، علی رهنمای، ناصر زراعتی، مجید زربخش، فخری زرشکه، حسن زهتاب، ژینا ژیانقر، فرانسواز ساعدلو، هوشمند ساعدلو، رحمان ساکی، جلال سبزواری، فرشید سپهوند، سهیلا ستاری، علی ستاری، زهره ستوده، غزال ستوده، عبدالی سردا، اکبر سردوزامی، شهزاد سرمدی، شهین سروش، مریم سطوط، بیژن سعیدپور، گیتی سلامی، فتاح سلطانی، نسرین سلما‌نی‌مظفر، اصغر سلیمانی، مسعود سمیع، هایده سناندی، اکبر سوری، هوشنگ سیّاح‌پور، مرتضی سیاھپوش، اسد سیف، اکبر سیف، احمد شافعی، محمدرضا شالگونی، لیلی شایگان، مریم شایگان، مسعود شب‌افروز، منصوره شجاعی، حسن شریعتمداری، شهلا شفیق، علی شکرالهی، فاطمه شمس، کیتاش شمس، پرویز شوکت، محسن شهرنازدار، حماد شیبانی، اصغر (علی) شیرازی، مانی شیرازی، کیومرث صابغی، سیما صاحبی، اسدالله صادقی، کامران صادقی، مهوش صالحی، ویدا صالحی، عبدالرضا صبوری، نازی صداقت، محمد حسین صدیق‌بیزدچی، بهرنگ صدیقی، اسماعیل صفرزاده، جمال صفری، فاروق صمامی، علی صمد، نبی صمیمی، سعید ضرایبان، فرزانه ضیافتی، فرهنگ طاولی، علی طلوع، بهروز عارفی، یدی عباسی، مجید عبدالرحیم پور، حسن عرب زاده‌حجازی، ناهید عزآبادی، حسن عزیزی، غلام عسگری، فخر الدین

عظیمی، فرزانه عظیمی، بیتا عظیمی نژادان، رضا علامه زاده، کاظم علمداری، محمد صادق علی‌اصغری، ثریا علی‌محمدی، سرور علی‌محمدی، آنا عنایت، هادی عنایت، آذر فارسی، سپیده فارسی، محمد فارسی، کامبیز فاروقی، شاهین فاطمی، عنایت فانی، مهدی فتاح‌پور، مسعود فتحی، مهرداد فتحی، عبدالی فراحتی، بهروز فراهانی، بهزاد فراهانی، علی‌اصغر فرداد، پرستو فروهر، منصور فرهنگ، ویدا فرهودی، داریوش فریدونی، رضا فیض، جواد قاسم‌آبادی، وجیه قاسمی، ناصر قاضی‌زاده، پرویز قریشی، آذر قشقایی، کریم قصیم، فاطمه قلعه‌گلابی، پرویز قلیچخانی، شهرام قنبری، شهزاد قنبری، مینو قندھاریان، شهین قهرمانی، فخر قهرمانی، علی قیصری، کیان کا تو زیان، مقصود کاسبی، شاهین کاظمی، فرشین کاظمی‌نیا، مهشید کبیری، کاظم کردوانی، علی کریم‌زاده، اسفندیار کریمی، بهزاد کریمی، علی کشتگر، پری کسرائیان، حجت کسرائیان، سودا به کسرائیان، سیروس کسرائیان، رضا کعبی، رئوف کعبی، سیامک کلهر، رسول کمال، حمید کوثری، علی کهربايی، آزاده کیان، جان گرنی، هوشنگ گلابدژ (امید)، ابراهیم گلستان، حسن گلشاهی، سهیلا گلشاهی، منوچهر گلشن، باربد گلشیری، جمشید گلمکانی، ناصر گیلانی، محمد علی ماکنعلی، عزیز ماملی، عفت ماهباز، مهناز متین، علی متین‌فتری، مریم متین‌فتری، هدایت متین‌فتری، شهرزاد مجتبی، مجید مجالی، بهار مجذاده، پروین محسنی، راحله محسنی، آذر محلوجیان، منوچهر مختاری، سیروس مددی، مصطفی مدنی، باقر مرتضوی، محمد مروّج، نادر مزکی، سهیلا مسافر، بنفشه مسعودی، فریبا مسعودی، حسین مشفق، ایرج مصدقی، مهران مصطفوی، فریدون معزی‌مقدم، منوچهر مقصود‌نیا، بهروز معظمی، ژیلا معظمی، رضا معقول، محمود معمار نژاد، امیر معیری، سوسن معینی، هایده مغیثی، مجتبی مفیدی، حسن مکارمی، ابراهیم مکی، سیروس ملکوتی، امیر ممبینی، علیرضا منافی‌زاده، محمد منتظری، کریم منیری، ذبیح موسوی، مسعود مولازاده، فرشته مولوی، باقر مؤمنی، سیامک مؤیدزاده، رضا مهاجر، ناصر مهاجر، فریبرز مهران‌ادیب، فرید مهران‌ادیب، اردشیر مهرداد، جهان‌نور مهربخش، ساسان مهری، نعمت میرزا زاده (م. آزم)، انور میرستاری، اشرف میرهاشمی، عباس میلانی، حسن نادری، حجت نارنجی، رضا ناصحی، ناهید ناظمی، نوشزاد ناظمی، شیدا نبوی، احمد نجاتی، جمیله ندائی، علی ندیمی، نیلوفر ندیمی، محسن نژاد، اصغر نصرتی، فرهاد نعمانی، مجید نفیسی، شهین نوائی، داود نوائیان، حمید نوذری، پرویز نویدی، داریوش نویدی، بهمن نیرومند، ایرج نیّری، حمیلا نیسگیلی، احمد نیک‌آذر، محمدرضا نیکفر، مرتضی نیکی، منوچهر واشق‌نوری، احد واحدی، شیدان وثیق، شاداب وجدى، شمسی ورزنه، اسماعیل وفا یغمائی، پروین

وفا ییزاده، مهرداد وها بی، جاوید یحییزاده، حسین یحیایی، با بد یحیوی، پرویز یعقوبی، محسن یلغانی، فاطمه یوری، پروین یوسفپور، مهدی یوسفی، جمعی از فارغ‌التحصیلان دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران در ده چهل و پنجماه شمسی، مقیم ایران.

به مناسبت جشن اول مه، روز جهانی کارگر



اعلامیه مشترک سه سارمان جمهوری‌خواه، دموکرات و لهستانی

کارگران و زحمتکشان ایران یک بار دیگر روز اول ماه مه، روز جهانی کار و کارگر در شرایطی فرا میرسد که جنبش زن، زندگی، آزادی تمامیت جمهوری اسلامی را به مخاطره انداخته و شما همواره در هولناک‌ترین رژیم استبدادی و دینی کشورمان زیر سلطه هستید و برای به دست آوردن حقوق حقه خود مبارزه می‌کنید. مبارزاتی بی‌امان با جانفشاری‌های فراوان، در کارخانه‌ها، در صنایع بزرگ و کوچک، در

ادارات و در خیا بانها برای رهایی از استثماری که هر روز بیش از پیش شما و خانواده شما را تحت فشار قرار می دهد.

رفاه زندگانی، بیمه‌های اجتماعی، حقوق بیکاری، حقوق بازنشستگی، حق اجرای آزادانه وظیفه‌ها و مسئولیت‌ها در محل کار، حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها در کارخانه‌هایی - که شما با عرق جین و در شرایط بسیار سخت آنها را می‌گردانید - توسط رژیم نکبت‌بار جمهوری اسلامی و عوامل آنان، چه در سپاه و چه در ادارات و کارخانه‌های بزرگ دولتی و خصوصی وابسته به مافیای جمهوری اسلامی زیر پا گذاشته می‌شود. این اجحافها تا جایی پیش می‌رود که دستمزدهای شما نه تنها به طور عادلانه تعیین نمی‌گردد و با توجه به بحران‌های اقتصادی که تمامی کشور را فرا گرفته است به روز نمی‌شود، و با معیارهای قوانین بین‌المللی مطابقت ندارد، بلکه در پرداخت حقوق ماهانه شما نیز اهمال و سستی وجود دارد و پرداخت آن غالباً به تعویق می‌افتد.

در ۴۴ سال گذشته شدیدتر از دوران پهلوی‌ها بسیاری از کارگران مبارز و زحمتکش مانند سایر اقشار جامعه به ناحق در بی دادگاههای جمهوری اسلامی محکمه شده‌اند و به زندانها افتاده‌اند. شما امروز نیز علیرغم همه مشکلات بدونوقفه به مبارزه شرافتمندانه‌تان برای حقوق انسانی ادامه می‌دهید به‌طوری که این روزها مردمان آزاداندیش جهان شاهد هستند که بسیاری از کارخانجات و صنایع به ویژه کارگران نفت و ذوب آهن و پتروشیمی در اعتراض به سر می‌برند.

ما امیدواریم دامنه اعتصابات شما گسترش یافته، به اعتراضات و تظاهرات خیابانی تبدیل شده، در همبستگی با سایر اقشار و اصناف و مردمان ایران یک قیام سراسری به وجود آورده و ضربه مهلكی بر این رژیم خونخوار و ضد بشری وارد کند.

ما باور داریم که شما باید از هم اکنون با تشکیل

و گسترش فعالیت های سندیکاهای مستقل و آزاد خود نمایندگان تان را برای مشارکت در امر کشورداری برگزینید و منظر نمانید که تکنوقرات ها، مانند گذشته با ترفند های همیشگی خود دست شما را از امور کشورداری کوتاه کنند. به باور ما حضور نمایندگان کارگران و زحمتکشان در ارکان تصمیم گیری کشور از همان ابتدای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی امری انکار ناپذیر است.

"اندیشکده آگاهی و شناخت"، "جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران" و "حزب سوسیال دموکرات و لائیک ایران" - همسازی ملی جمهوری خواهان - که هرسه برای دموکراسی و جدائی دین و دولت و رواداری اندیشه های عقیدتی و فلسفی تلاش میکنند روز اول ماه می را به شما شاد باش گفته و از مبارزات شما پشتیبانی میکنند.

اول ماه مه 2023

اندیشکده آگاهی و شناخت؛

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران؛

حزب سوسیال دموکرات و لائیک ایران - همسازی ملی
جمهوری خواهان دموکرات و لائیک؛

ناصر پاکدا من در گذشت



1402 – 1311

ناصر پاکدامن روز یکشنبه سوم اردیبهشت ۱۴۰۲ (۲۳ آوریل 2023) در پاریس درگذشت. او علاوه بر نقش و فعالیت بر جسته اش در جنبش روشنفکری، فرهنگی و آزادیخواهی تاریخ معاصر ایران، طی سالیانی در از یکی از همراهان ما در جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران و از مؤسسین آن بود.

جنبشه جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران صایعه‌ی درگذشت این نویسنده فرهیخته و روشنفکر آزادیخواه را به خانواده و دوستان او و به جامعه‌ی فرهنگی و روشنفکری ایران و همه‌ی آزادیخواهان تسلیت می‌گوید.

نام و یاد ناصر پاکدامن همیشه گرامی باد!



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران



اطلاعیه کا نون نویسنده‌گان ایران
ناصر پاکدامن درگذشت

ناصر پاکدامن (۱۳۱۱-۱۴۰۲) نویسنده، اقتصاددان، ادیب، پژوهنده و عضو برگستهٔ کانون نویسنده‌گان ایران، در تبعید درگذشت. او در ایران اقتصاد خواند، برای تکمیل تحصیلات خود به فرانسه رفت و سال ۱۳۴۶ به ایران بازگشت. سپس در دانشکدهٔ اقتصاد دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و تا سال ۱۳۶۰ همچنان به تدریس ادامه داد تا در همان سال مانند صدها استاد برگسته و آزادی‌خواه دیگر مشمول اخراج‌های استبداد دینی نوظهور شد و بهسبب فعالیت

در «سازمان ملی دانشگاهیان»، که در شکل دادن به اعتراض‌های دانشجویان و استادان به بی‌رسمی‌ها و سرکوب‌های حکومت تازه به قدرت‌رسیده نقشی بس پررنگ داشت، و نیز عضویت و فعالیت در کانون نویسندگان ایران ناگزیر مخفیانه به تبعیدی ناخواسته تن داد. پاکدامن در سراسر سال‌های فعالیت خود در کانون نویسندگان ایران همواره بر خط آزادی‌خواهی کانون و ناوابستگی به قدرت پا می‌فشد.

پاکدامن در تبعید نیز هیچ‌گاه دست از فعالیتهای فرهنگی و آزادی‌خواهانه خود باز نداشت و همراه با محسن یلفانی، دیگر عضو کانون نویسندگان ایران، در سال ۱۳۶۰ نشریه وزین «چشم‌انداز» را بنیاد نهاد که جمعی از برجسته‌ترین نویسندگان با آن همکاری داشتند. «چشم‌انداز» تا ۱۳۸۰ به عمر پر بار خود ادامه داد و در این مدت ۲۳ شماره از این گاهنامه منتشر شد. افزون بر آن، پاکدامن در دوران تبعید کتاب مهم «قتل کسری» و «نامه‌های صادق هدایت به حسن شهید نورایی» را نیز به چاپ رساند.

کانون نویسندگان ایران ضایعه درگذشت این دانشی‌مرد برجسته، یار صدیق کانون نویسندگان ایران، را به خانواده و جامعه‌ی فرهنگی مستقل کشور و همه‌ی آزادی‌خواهان تسلیت می‌گوید.

یاد دکتر ناصر پاکدامن گرامی و یادگارانش پايدار

کانون نویسندگان ایران

۱۴۰۲ اردیبهشت

Sun 23 04 2023

جمهوری غیر متمرکز - فدرالیسم در ایران

میزگرد و بحث آزاد



جنبش جمهوری خواهان دموکراتیک و لائیک ایران

دعوت به میزگرد سیاسی و بحث آزاد

مبارزات مردم کشور ما علیه حکومت نا مشروع و سرکوبگر جمهوری اسلامی هر روز ابعاد گستردۀ تری پیدا می کند. جمهوری اسلامی نا توان از حل کوچکترین مشکل کشور، تنها راه حل بقای خود را سرکوب و فشار بیشترمی بیند. مجموع شرایط بین المللی و داخلی حاکی از سقوط این نظام دینی و ضد انسانی است. یکی از دغدغه های مهم امروز اپوزیسیون، جامعه سیاسی و روشنفکری ما، نوع نظام و ساختار سیاسی اینده کشوردر پسا جمهوری اسلامی است. برخی دولت متمرکز را عامل استبداد در ایران و راه حل را یک نظام غیر متمرکز می دانند. برخی نیزار یک سو با توجه به تنوع فرهنگی، زبانی و ملی/قومی در ایران واژ سوی دگر بی عدالتی و سرکوب مضافع در مناطق مختلف کشور، راه حل را یک نظام فدراتیو می دانند.

در این راه ما با برگزاری جلسات بحث و گفتگو، سعی در روشن شدن زوایای گوناگون این موضوع حساس و مهم اینده کشورمان خواهیم کرد. لذا شما را به شرکت در این میزگرد و بحث آزاد دعوت می کنیم.

موضوع :

(جمهوری غیر مرکزی - فدرالیسم در ایران)

اغاز گران بحث:

- دکتر پیمان جواهر حقیقی، جامعه شناش و فعال سیاسی

پیمان جواهر حقیقی در ابتدا به تعریف دولت فدرالیسم می‌پردازد و توضیح می‌دهد این نوع از دولت، شکلی مناسب و امکان پذیری برای فردای کشورمان ایران است و سپس به چگونگی ساختار دولت فدرال می‌پردازد.

- کیومرث صابغی، فعال سیاسی و از همراهان 『جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران』

کیومرث صابغی به تفاوت‌های بین دولت غیرمرکزی و فدرال می‌پردازد و اینکه آیا فدرالیسم سیستم مناسبی برای کشور متنوعی مانند ایران است یا خیر. ایشان دو نوع فدرالیسم را بررسی می‌کنند. تقسیمات جغرافیا یی/استانی و زبانی-ملی/قومی. ایشان درباره تفاوت‌های این دو نوع فدرالیسم، مانند حق زندگی بدون محدودیت در هر منطقه، الزامات شهروندی، و توانایی احزاب ملی برای تلاشهای انتخاباتی بحث می‌کنند. در آخر ایشان همچنین بررسی می‌کنند که کدام حوزه‌ها باید تحت اختیارات دولت فدرال مرکزی قرار گیرند، مانند روابط خارجی، برنامه ریزی اقتصادی، سیاست‌های مالی، مالکیت معادن و منابع، نظارت بر انتخابات، دادگاه‌ها و ارتش.

- یونس شاملی، فعال سیاسی و عضو 『حزب دموکرات آذربایجان』

یونس شاملی درباره فدرالیسم در ایران بحث می‌کند و با تأکید بر اهمیت دموکراسی و حقوق برابر برای شهروندان، علیه حکومت تک قومی/ملی استدلال می‌کند. او پیشنهاد می‌کند که سیستم فدرال آینده در ایران باید بر پایه فدرالیسم ایالتی و با استفاده از ساختار طبیعی ایالت‌های موجود در تاریخ ایران باشد. در حالی که سیستم استانی فعلی ممکن است به طور موقت در دوره انتقال استفاده شود، ساختار آینده باید بر اساس فدرالیسم ایالتی باشد. ساختار فعلی استانی باید تا حد امکان در ساختار فدرالیسم

ایالتی آینده حفظ شود تا ساختار فدرالیستی برای دولت های ایالتی حفظ شود.

زمان:

جمعه ۱۴ اپریل از ساعت ۱۹:۰۰ به وقت اروپای مرکزی

برابر با ۲۰ فروردین از ساعت ۳۰:۰۰ به وقت تهران

محل برگزاری: تالار زوم، جنبش جمهوری خواهان
دموکرات و لائیک ایران

<https://us02web.zoom.us/j/84298030825?pwd=VkdTU nFJVEQzQU9iM2NLUW90bmtWdz09>

Meeting-ID: 842 9803 0825

Kenncode: 082036

نوروز ۱۴۰۲ بر مردم آزادیخواه
ایران مبارک



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران